

## مجلس چهارم: اخوت و برادری

قال الله تعالى في محكم كتابه: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

(به یاد طفلان مسلم).

نهضت عاشورا، جنبشی اجتماعی و حرکتی جمعی برای اصلاح جامعه و تحقق مقاصد الهی برای ایجاد زندگی سعادت‌مندانه است. از این رو، یکی از مفاهیم کلیدی که در نهضت عاشورا ساری و جاری است، مفهوم اخوت و برادری و یکرنگی است. اخوت و برادری حقیقی در حرکت و جنبش عاشورا بر حول محور ولی خدا، موجب یکرنگی و هم‌رنگی اصحاب حضرت سیدالشهداء علیه السلام شده بود. ریشه این اخوت و یکرنگی در روح مؤمن و نورانیت ذاتی او نهفته است.<sup>۲</sup> بنابراین امری قراردادی و مصلحتی نیست.

اما در لشکریان یزید از این اخوت و یکرنگی خبری نیست؛ چون در ماده و مادیات جدایی و تفرقه و اختلاف نهفته است. لذا در میان آنان هر کس به فکر خویش و غنایم جنگی و در پی رسیدن به وعده‌های شیطانی است و هر کس سعی می‌کند تا دیگری را کنار بزند و خود بیشترین سهم را در غنایم جنگی داشته باشد و خود را بیشتر نزد خلیفه فاسد نشان دهد. پس همکاری لشکریان یزید قراردادی مقطعی برای رسیدن به مطامع دنیوی و سود مادی است.<sup>۳</sup>

جان گرگان و سگان از هم جداست  
متحد جان‌های شیران خداست

### نمونه‌های اخوت در کربلا

اخوت به هر دو قسم آن یعنی اخوت نسبی و اخوت ایمانی در عاشورا موج می‌زند. نمونه اول را می‌توان در

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. در ادامه این نوشته در روایت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بدان اشاره شده است.

۳. خوب است در منبر به نظریات قراردادی‌گرایی و سودگرایی دنیای غرب در اخلاق اشاره شود. (ر.ک: *فلسفه اخلاق از استاد مطهری و نقد کتاب اخلاقی غرب*، از آیت الله مصباح یزدی).

رابطه حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام مشاهده کرد. همچنین کم نبودند برادران نسبی که یکدیگر را برای جان‌نثاری در راه ولی خدا ترغیب می‌کردند؛ مانند حرّ برادرش را و عباس سه برادرش را. همچنین فرزندان حضرت زینب علیه السلام و طفلان مسلم بن عقیل (محمد و ابراهیم) دوشادوش یکدیگر به دفاع از امام خود می‌پرداختند و در شهادت نیز هر یک سعی می‌کردند بر دیگر پیشی بگیرد.

نمونه دوم برادری ایمانی است. قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی می‌کند:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ طِينَةِ جَنَانِ السَّمَاوَاتِ وَ أَجْرَى فِيهِ مِنْ رَوْحِ رَحْمَتِهِ فَلِذَلِكَ هُوَ أَخُوهُ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ؛<sup>۲</sup>

هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر، برادر پدر و مادری او است (یعنی برادر صلبی و تکوینی او است). خداوند مؤمن را از آن سرشت بهشتی آسمان‌ها آفرید و در او از روحانیت و معنویت روحی الهی دمید (و طبعاً انسان‌هایی که از چنین طینت و سرشتی آفریده شده اند با هم اشتراک دارند). بنابراین برادر پدر و مادری حساب می‌شوند.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ - وَ إِنْ رُوِحَهُمَا مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ إِنْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهِ.<sup>۳</sup>

نمونه چنین اخوتی در عاشورا، حبیب ابن مظاهر است که وقتی نامه امام حسین علیه السلام به او رسید، به برادر ایمانی خود مسلم بن عوسجه خبر داد و او را نیز برای سعادت دنیا و آخرت راهنمایی کرد.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۷۷.

۳. همان.

### اخوت در راه اجرای امر خداوند

حضرت موسی علیه السلام زمانی که به قیام علیه کفر فرعون فرخوانده شد، از خداوند متعال این گونه طلب می‌کند:

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿١﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢﴾ وَأَخْلِلْ عِقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٣﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٤﴾ وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي ﴿٥﴾ هَارُونَ أَخِي ﴿٦﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٧﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٨﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا ﴿٩﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيْرًا ﴿١٠﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا﴾<sup>۱</sup>

در خواست موسی علیه السلام از خداوند متعال نشان‌دهنده نقش مهم برادری در جبهه حق است؛ چرا که می‌گوید: خدایا، برادرم را به کمک من بفرست. دلیل خواهش من این است که اگر هارون را به کمک من فرستی، من پشتوانه پیدا خواهم کرد و نیرومند خواهم شد و او در کار من شریک خواهد شد و با او می‌توان تو را تسبیح کرد و ذکر الهی را به جای آورد.

بنابراین برادری همچون هارون موجب موفقیت در نهضت الهی همچون مقابله با فرعون و پشت‌گرمی ولیّ خدا می‌شود و با این همراهی‌ها و همکاری‌ها، تسبیح خدا جاری و ذکر الهی ساری می‌شود. به همین جهت، موسی برای خود و برادرش چنین دعا می‌کند: ﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۲</sup>

### نقش اخوت در جنبش‌های اجتماعی

اخوت و برادری از سفارش‌های مهم الهی و قرآنی و از اصول اجتماعی آیین اسلام است. در قرآن کریم برادری دینی یکی از کارآمدترین راه‌ها برای گریز از زیان‌های تفرقه و حفظ کیان جامعه دینی معرفی شده است؛ زیرا در سایه برادری دینی، اتحاد و محبت و همکاری در کارهای نیک پدید می‌آید و جامعه از بسیاری از انحرافات روحی، اجتماعی و دینی مصون می‌ماند و توازن اجتماعی بین افراد جامعه به وجود می‌آید؛ چنان که روایت شده: «مسلمانان در برابر همدیگر مانند ساختمان‌هایی هستند که همه اجزای آن همدیگر را نگه می‌دارند»<sup>۳</sup>.

۱. سوره طه، آیات ۲۵-۳۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۱.

۳. بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۰.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup>

همگی به رشته دین چنگ زنید و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ را که شما با هم بودید و خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و بر لطف خداوند همه برادر دینی شدید؛ در حالی که در پرتگاه آتش بودید و خدا شما را نجات داد. خداوند این گونه آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند، باشد که به مقام سعادت هدایت شوید.<sup>۲</sup>

﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾<sup>۳</sup>

نعمت خداوند را بر خود به یاد بیاورید، آن‌گاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و با این نعمت او، برادر یکدیگر شدید.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲. بر اساس این آیه شریفه:

- وحدت و دوری از تفرقه یک مأموریت و وظیفه الهی است: «واعتصموا».

- ریسمان تمثیل یک جریان محکم از طریق رشته‌های متعدد ولی در هم تنیده شده در مسیر واحد است: «بحبل».

- وحدت باید معارف خاص الهی باشد، نه نژاد، زبان، ملیت و ...: «بحبل الله».

- تفرقه و تشتت ننگ و نهی اخلاقی و اجتماعی است: «لا تفرقوا».

- حفظ وحدت و حذف تفرقه یک نعمت ارزشمند الهی است: «نعمت الله علیکم».

- از ایجاد محبت و انجام خدمت برای اسلام غافل نشوید: «اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم».

- نگاه ذهنی، شعاری، تخیلی، تحمیلی و تشریفاتی کافی و موثر نیست: «فالف بین قلوبکم».

- وحدت شکلی غیر از ایجاد برادری همراه با الفت و صمیمیت است: «بنعمه اخوانا».

- وحدت عامل اخوت است: «فاصبحتم بنعمه اخوانا».

- برادری و اتحاد نعمت خدادادی، آغازین طلوع یا فرصت در زندگی است: «فاصبحتم بنعمه».

- دشمنی و تفرقه، پرتگاه و گودال آتش است: «شفا حفرة من النار».

- نعمت‌های خداوند، آیات او هستند: «و اذکر نعمت الله ... ببین الله لکم آياته».

- یادآوری نعمت‌های خداوند عامل عشق و زمینه ساز هدایت است: «واذکروا نعمت الله ... لعلکم تهتدون».

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

به سبب اهمّیت و نقش برادری دینی در استحکام جامعه دینی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه در آغازین گام‌های خود میان مسلمانان عقد اخوت برقرار ساخت. اتحاد و اخوت به عنوان مهم‌ترین راهبرد برای جامعه پذیری و امت‌سازی مورد توجه و اهتمام پیامبر رحمت و وحدت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به صورت‌های مختلف در جهت استوار ساختن این پیوند کوشید و از این رو، دولت نبوی از آغاز هجرت بر اساس برادری نشئت گرفت. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دستور داد که یاران او، اعم از مهاجر و انصار، با یکدیگر برادر شوند و هر کدام برای خود برادری بگیرد. چه بسا دو مهاجر با یکدیگر و یا یکی از مهاجران با یکی از انصار عقد اخوت بستند و دست یکدیگر را به عنوان برادری فشردند و از این طریق یک نوع قدرت سیاسی معنوی بر سرآنان سایه افکند.<sup>۱</sup> ابن هشام در *السیرة النبویه*، نقل می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله بین اصحاب خود از مهاجران و انصار عقد اخوت بست و گفت: «تأخوا فی الله أخوین، اخوین؛ برای خدا دو نفر دو نفر برادر خوانده شوید». سپس دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: این برادر من است. پس رسول خدا سید رسولان و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان- که کسی از بندگان خدا به عظمت او و همانند او نیست- با علی بن ابی طالب برادر است. حمزه بن عبد المطلب شیر خدا و شیر رسول خدا و عموی رسول الله

۱. رسولی محلاتی در کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ص ۲۷۳ می‌نویسد: «اختلاف است که شماره افرادی که در آن روز میان آنها این پیمان بسته شد، جمعاً چند نفر بودند. مقریزی گفته: پنجاه نفر از مهاجر و پنجاه نفر از انصار بودند، و از این جوزی نقل شده که گفته است: من بررسی و تحقیق کرده‌ام و مجموع افرادی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز میان آنها پیمان برادری بست، ۱۸۶ نفر بودند و این جریان پنج ماه و به قولی هشت ماه پس از ورود به مدینه انجام شد. ضمناً باید دانست که این پیمان را رسول خدا صلی الله علیه و آله دو بار، یکی در مکه و میان مسلمانان مکه و قریش و دیگری در مدینه و میان مهاجرین از یک طرف و انصار از یک سو، بست و در هر دو مرتبه علی بن ابی‌طالب را برادر خود گردانید. و بد نیست بدانید که در پیمان برادری مکه از جمله حمزه را با زید بن حارثه، و ابو بکر را با عمر، عثمان را با عبد الرحمن بن عوف، زبیر را با عبد الله مسعود، عبیده بن حارث را با بلال و مصعب بن عمیر را با سعد بن ابی وقاص برادر ساخت. و در پیمان مدینه نیز از جمله حمزه را با زید، جعفر بن ابی‌طالب را که در حبشه به سر می‌برد با معاذ بن جبل، ابو بکر را با خارجه بن زید، عمر را با عتبان بن مالک، عثمان را با اوس بن ثابت، ابو عبیده جراح را با سعد بن معاذ، عمار بن یاسر را با حذیفه بن یمان، سلمان فارسی را با ابو درداء، و ابوذر را با منذر بن عمرو. . . برادر ساخت. و این را هم بدانید که داستان پیمان برادری و اخوت علی علیه السلام را با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه بیش از بیست نفر از سیره نویسان و محدثین اهل سنت در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب *الصحيح من السیره*، ج ۳، ص ۶۰، احقاق الحق و کتاب‌های دیگر مراجعه کنید».

با زید بن حارثه، خادم رسول خدا، برادرند. ابوبکر صدیق فرزند ابی قحافه و خارجه بن زهیر برادر بلحارث از قبیله خزرج برادرند. عمر بن خطاب و عتبان بن مالک برادر بنی سالم بن عوف بن عمر بن عوف از قبیله خزرج برادر می‌باشند...<sup>۱</sup>

بنابراین در امر سازماندهی یک جریان عام و فراگیر، وجود روابط مستحکم ذهنی و معنوی در میان نیروهای شرکت‌کننده که بتوانند آنها را به سمت اهداف مشخصی هدایت نمایند، بسیار ضروری است. حرکت‌های جمعی بدون پشتوانه هماهنگی و انسجام برآمده از نظام فکری منسجم و خلاق که ارزش‌ها، باورها و هنجارهای یکسانی را خلق کنند، قرین به پیروزی نخواهد بود؛ زیرا تقویت انگیزه مبارزه‌جویی و حفظ انسجام سازمانی که دو عامل عمده در کامیابی نهضت‌ها به شمار می‌روند، تا حدود زیادی وابسته به وجود نظام اعتقادی ارزشی است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اساس پیشرفت شما ملت عزیز، تعهد به اسلام و وحدت کلمه است. تعهد به اسلام بدون اینکه با هم اجتماع کنید در مسائل، بی‌فایده است. اجتماع در مسائل، بدون تعهد به اسلام مضر است.<sup>۲</sup>

ایشان با استفاده از آیه شریفه قرآن کریم، اخوت و برادری را مهمترین شأن مومنین می‌داند و می‌فرماید: اسلام تکیه کرده است بر اخوت با تعبیرهای مختلف (انماالمؤمنون اخوه) از آن استفاده می‌شود که کانه مؤمنین هیچ شأنی ندارند، إلا برادری. همه چیزشان در برادری خلاصه می‌شود.<sup>۳</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید:

اسلام احکام اخلاقی اش هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن است که مؤمنین برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است... این یک حکم اخلاقی است که در آن حکم اجتماعی هم هست و علاوه بر این، جهات سیاسی دارد. جهات سیاسی آن همین بود که همه دیدید که ملت ایران وقتی که با هم مجتمع شدند و برادروار با هم در کنار هم بودند و همه توجه به برادری اسلامی خود داشتند،

۱. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۰۵، المواخاة بن المهاجرین و الانصار.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۲۴۵۱؛ همان، ج ۶، ص ۳۱۰.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۸۴۷۱؛ همان، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

قدرت‌های بزرگ نتوانستند در مقابل این برادرها، در مقابل اینهایی که مجتمع با هم شدند، نتوانستند در مقابل اینها قیام کنند و تاب مقاومت بیاورند؛ همه راه خودشان را گرفتند و رفتند.<sup>۱</sup>

### حقوق برادر مؤمن

به دلیل اهمیت برادری و اخوت در فرهنگ اسلامی، اسلام حقوقی را وضع کرده تا برادری و اخوت میان مسلمانان ماندگار باشد. در روایت آمده است:

عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الصَّرَفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الْجَعَابِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ: يَغْفِرُ زَلَّتَهُ، وَيَرْحَمُ عَثْرَتَهُ، وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهُ، وَيَقْبِلُ عَثْرَتَهُ، وَيَقْبَلُ مَعْدِرَتَهُ، وَيَرُدُّ غَيْبَتَهُ، وَيَدِيمُ نَصِيحَتَهُ، وَيَحْفَظُ خَلْتَهُ، وَيَرْعَى ذِمَّتَهُ، وَيَعُودُ مَرَضَتَهُ، وَيَشْهَدُ مِيتَتَهُ، وَيَجِيبُ دَعْوَتَهُ، وَيَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ، وَيَكْفِي صِلَتَهُ، وَيَشْكُرُ نِعْمَتَهُ، وَيُحْسِنُ نَصْرَتَهُ، وَيَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ، وَيَقْضِي حَاجَتَهُ، وَيَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ، وَيَسْمَتُ عَطْسَتَهُ، وَيُرْشِدُ ضَالَّتَهُ، وَيَرُدُّ سَلَامَتَهُ، وَيَطِيبُ كَلَامَتَهُ، وَيَبْرِّئُ إِنْعَامَتَهُ، وَيَصَدِّقُ إِفْسَامَتَهُ، وَيُؤَالِي وِلِيَّتَهُ، وَلَا يُعَادِيهِ، وَيَنْصُرُهُ ظَالِمًا، وَلَا مَظْلُومًا: فَأَمَّا نَصْرَتُهُ ظَالِمًا فَيُرُدُّهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَأَمَّا نَصْرَتُهُ مَظْلُومًا فَيُعِينُهُ عَلَى أَخْذِ حَقِّهِ، وَلَا يُسْلِمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَيُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ، وَيَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ. ثُمَّ قَالَ ﷺ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَدْعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئًا فَيُطَالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقْضِي لَهُ وَعَلَى؛<sup>۲</sup>

مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد که از آن بری الذمه نمی‌شود، مگر به ادای این حقوق یا عفو کردن برادر مسلمان او.

اما حقوق برادر مسلمان: لغزش‌های او را ببخشد، در ناراحتی‌ها با او مهربان باشد، اسرار او را پنهان دارد، اشتباهات او را جبران کند، عذر او را بپذیرد، در برابر بدگویان از او دفاع کند، همواره خیرخواه او باشد، دوستی او را پاس بدارد، پیمان او را رعایت کند، در حال مرض از

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۶.

او عیادت کند، بعد از مرگش در تشیع او حاضر شود، دعوت او را اجابت کند، هدیه او را بپذیرد، عطای او را جزا دهد، نعمت او را شکر گوید، در یاری او بکوشد، ناموس او را حفظ کند، حاجت او را برآورد، برای خواسته‌اش شفاعت کند، عطسه‌اش را تحیت گوید، گم‌شده‌اش را راهنمایی کند، سلامش را پاسخ گوید، گفته‌اش را نیکو شمرد، انعام او را خوب قرار دهد، سوگندهایش را تصدیق کند، با دوستانش دوستی کند و دشمنی نکند، در یاری او بکوشد چه ظالم باشد چه مظلوم: اما یاری او در حال ظالم بودنش به این است که او را از ظلمش باز دارد و در حال مظلومی‌اش به این است که او را در گرفتن حق یاری کند، او را در برابر حوادث تنها نگذارد، آنچه را از نیکی‌ها برای خود دوست دارد، برای او نیز بخواهد، و از آنچه بدش می‌آید، برای او نیز نپسندد.

امام سجاد علیه السلام نیز می‌فرماید:

وَ أَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا، وَ ظَهْرُكَ الَّتِي تَلْجَأُ إِلَيْهَا، وَ عِزُّكَ الَّتِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهَا، وَ قُوَّتِكَ الَّتِي تَصُولُ بِهَا، وَ لَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ، وَ لَا تَدْعَ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَعُونَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ، وَ الْحَوْلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ شَيْطَانِيهِ، وَ تَاءِدِيَةَ النَّصِيحَةِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ، فَإِنَّ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَ أَحْسَنَ الْإِعْجَابَةِ لَهُ وَ إِلَّا، فَلْيَكُنْ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ، وَ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ؛<sup>۱</sup>

وَ أَمَّا حَقُّ برادرت این است که بدانی او دست تو است که آن را می‌گشایی، و پشت و پناه تو است که بدان پناه می‌بری، و عزت تو است که بدان اعتماد داری، و قدرت و نیروی توست که با آن یورش می‌بری. مبدا که او را ابزار نافرمانی خدا قرار دهی و به وسیله او راه ستم پیشه کنی. همواره او را یاور باش و در قبال دشمن، کمک کار. میان او و شیاطین حائل شو و در نصیحت او کوشش کن و برای خدا به او اقبال داشته باش. اینها همه تا زمانی است که او مطیع و منقاد و فرمان‌بردار خدایش باشد، و گرنه خدا نزد تو مقدم و گرامی تر می‌شود.

البته چنان که در حدیث بالا اشاره شد، همه دوستی‌ها برای خدا و در راه خداوند است و ارزش اخوت ایمانی در همین نکته نهفته است. از این رو در صیغه عقد اخوت این گونه متعهد می‌شویم:

وَ اخِيَتِكَ فِي اللَّهِ، وَ صَافِيَتِكَ فِي اللَّهِ، وَ صَافِحَتِكَ فِي اللَّهِ، وَ عَاهِدَتِكَ فِي اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ

۱. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام.



کتابه و رسله و أنبيائه و الأئمة المعصومين عليهم السلام، على أتى إن كنت من أهل الجنة و الشفاعة، و أذن لي بأن أدخل الجنة، لا أدخلها إلا و أنت معي؛<sup>۱</sup>

در راه خدا برادرت شدم، و در راه خدا دوست با صفایت شدم، و با تو در راه خدا دست دادم، و عهد کردم با خدا و فرشتگان و فرستادگان و پیامبران خدای متعال و امامان معصوم عليهم السلام، بر اینکه اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت شدم و به من اجازه داده شد که داخل بهشت شوم، داخل نشوم، مگر اینکه تو نیز با من باشی.

### داستان دو برادر

شیخ صدوق در مجلس نوزدهم در کتاب امالی روایت کرده است:

ابو محمد، شیخ اهل کوفه، روایت کرد که چون حسین بن علی «ع» کشته شد، دو پسر کوچک از لشکر گاهش اسیر شدند و آنها را نزد عبید الله آوردند. عبید الله زندانبان را طلبید و گفت این دو کودک را ببر و خوراک خوب و آب سرد به آنها مده و بر آنها تنگ بگیر. این دو کودک روزه می گرفتند و شب دو قرص نان جو و یک کوزه آب برای آنها می آوردند، تا یک سالی گذشت و یکی از آنها به دیگری گفت: ای برادر، مدتی است ما در زندانیم. عمر ما تباه می شود و تن ما می کاهد. این شیخ زندانبان که آمد، مقام و نسب خود را به او بگویم، شاید به ما ارفاقی کند. شب آن شیخ همان نان و آب را آورد و کودک کوچک تر گفت: ای شیخ، تو محمد را می شناسی؟

گفت: چگونه نشناسم؟ او پیامبر من است.

گفت: جعفر بن ابی طالب را می شناسی؟

گفت: چگونه نشناسم، با آنکه خدا دو بال به او داد که با فرشتگان هر جا خواهد می رود.

گفت: علی بن ابی طالب را می شناسی؟

گفت: چگونه نشناسم، او پسر عم و برادر پیغمبر من است.

گفت: ما از خاندان پیامبر تو محمد و فرزندان مسلم بن عقیل علی بن ابی طالب هستیم و در دست تو اسیریم و خوراک و آب خوب به ما نمی دهی و به ما در زندان سخت گیری می کنی؟

۱. مفاتیح الجنان، اعمال روز عید غدیر.

آن شیخ به پای آنها افتاد و پایشان را بوسید و گفت: جانم قربان شما ای عترت پیامبر خدا، مصطفی! این در زندان به روی شما باز است. هر جا خواهید، بروید.

شب دو قرص نان جو و یک کوزه آب برای آنها آورد و راه را برای آنها نمود و گفت شب‌ها راه بروید و روزها پنهان شوید تا خدا گشایش دهد. آنها شب حرکت کردند تا به در خانه پیر زنی رسیدند. به او گفتند: ما دو کودک غریب هستیم و راه را بلد نیستیم و اکنون شب است. امشب ما را مهمان کن و صبح می‌رویم.

گفت: عزیزانم! شما کیانید که از هر عطری خوشبو ترید؟

گفتند: ما اولاد پیامبریم و از زندان ابن زیاد و از کشته شدن گریختیم.

پیر زن گفت: عزیزانم! من داماد نابکاری دارم که همراه عبید الله بن زیاد در واقعه کربلا حاضر شده است و می‌ترسم در اینجا شما را ببیند و بکشد.

گفتند: ما همین یک شب را می‌گذرانیم و صبح به راه خود می‌رویم.

گفت: من برای شما شام می‌آورم. شام آورد. آن دو غذا را خوردند و نوشیدند و خوابیدند. کودک کوچک به برادر بزرگ‌تر گفت: برادر جان، امیدوارم امشب آسوده باشیم. بیا در آغوش هم بخوابیم و همدیگر را ببوسیم، مبادا مرگ ما را از هم جدا کند. آن‌گاه در آغوش هم خوابیدند.<sup>۱</sup>

### جمع بندی

اخوت و برادری یکی از ظهورات عاشورا و مدرسه حسینی است، مدرسه‌ای که بر پایه‌ی فطرت توحیدی بر حول ولی خدا و دوری از خود خواهی و منیت شکل گرفت.

امروز نیز نیاز جوامع اسلامی به همان اخوت و برادری فطری بر پایه‌ی توحید است که با پرهیز از اختلافات طریق سعادت فردی و اجتماعی را به‌دست آورند. این تنها از طریق رعایت حقوق برادری میسر خواهد شد.

۱. ادامه این حکایت را در *امالی* شیخ صدوق و منابع دیگر آمده است.